ایوبی: یک‌سوم هزینه‌های «شهید همت» با ما اما دیگران جدی نیستند

ماجرای پروژه جدید رضا میرکریمی ادامه دارد. قائم‌مقام انجمن انقلاب و سینمای دفاع مقدس هفته پیش اعلام کرد شاید صحبت‌های اخیر میرکریمی مبنی بر نامساعد بودن شرایط تولید فیلم به عدم جدیت سازمان سینمایی برمی‌گردد و ایوبی حالا جواب می‌دهد. «ابراهیم در آتش» نام موقت جدیدترین پروژه رضا میرکریمی است. مراحل تحقیق این فیلمنامه دو سال به طول انجامید و فیلمنامه توسط محمدرضا گوهری و زیر نظر سیدرضا میرکریمی نوشته شده است. البته نسخه اولیه فیلمنامه در اختیار خانواده شهید همت قرار گرفته است و آنها نیز نظراتی داشتند که پس از اعمال این نظرات موافقت خود را با کلیات فیلمنامه «ابراهیم در آتش» اعلام کردند. اما ماجرا گویا به این سادگی‌ها نبوده است. پروژه «شهید همت» پروژه پرخرجی است و انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس برای تأمین هزینه‌های آن به تنهایی قادر نیست و به این ترتیب پروژه‌ای که همه دغدغه ساخت آن را دارند ظاهراً سرنوشت مبهمی پیدا کرده است. هفته پیش، حرف‌های میرکریمی در برنامه هفت و به دنبال آن گفت‌وگوی تسنیم با روح‌الله سهرابی قائم‌مقام انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس، ماجرا ابعاد دیگری پیدا کرد و پای سازمان سینمایی به وسط کشیده شد. خبرگزاری تسنیم به سراغ ایوبی رفت و از رئیس سازمان سینمایی در مورد جزئیات مشارکت این سازمان در پروژه ساخت زندگی «شهید همت» پرسید.

در پی اظهارنظر سیدرضا میرکریمی در برنامه «هفت» که از فضای نامساعد برای تولید فیلم سینمایی شهید همت سخن گفت از روح‌الله سهرابی قائم مقام انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس که یکی از ارگان‌های سفارش‌دهنده این پروژه است در مورد سرنوشت پروژه شهید همت سؤال شد و سهرابی در پاسخ مدعی شده بود که بعید نیست مواضع اخیر آقای میرکریمی به جهت عدم جدیت سازمان سینمایی برای ورود به این پروژه است. سؤالی که این جا مطرح می‌شود این است که چقدر سازمان سینمایی برای اجرایی شدن پروژه شهید همت جدیت دارد؟

ایوبی: دغدغه حمایت از ساخت پروژه شهید همت این گونه شروع شد. ما در حوزه هنری زمزمه‌های حمایت از این پروژه را شنیدیم و چندین بار هم در انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس از این پروژه یاد شد. با خود آقای میرکریمی هم جلسات متعددی داشتیم و می‌دیدیم که مراحل فیلمنامه این پروژه چگونه به جلو می‌رود و می‌دیدیم که خیلی برای آن زحمت کشیده شده است تا کار خوبی ارائه شود.

بر همین اساس بود که طی چندین جلسه و مکاتبه با حوزه هنری و انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس تصمیم به همکاری در این پروژه در سازمان سینمایی گرفته شد. پیشنهاد سازمان سینمایی برای کار در حوزه دفاع مقدس این بود که نیروها و امکانات مجموعه‌های مختلف تجمیع شود و روی پروژه‌های سینمایی‌ای سرمایه‌گذاری صورت گیرد که مطمئن هستیم جواب می‌دهند و به تناسب بودجه و زمانی که داریم می‌توانیم آن کارها را باهم پیش ببریم. اما متأسفانه سر پروژه «شهید همت» ماجرا به زمان خورد و من جدیتی در طرفین ماجرا ندیدم.

در مرحله‌ای از کار گمان کردیم که شاید نیاز است جلسه مشترکی در مورد ساخت این فیلم تشکیل شود. این جلسه مشترک در سازمان سینمایی برگزار شد و از انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس و آقای جعفری جلوه از بنیاد فارابی و همه کسانی که می‌توانستند درگیر این پروژه شوند دعوت کردیم تا در مورد این فیلم به تصمیم نهایی برسیم. آقای میرکریمی هم در این جلسه حضور داشت و با پاورپوینت‌هایی که برای این فیلم آماده کرده بود پروژه‌اش را معرفی کرد. بنده در آن جلسه قاطعانه اعلام کردم سازمان سینمایی آمادگی دارد که یک سوم از منابع مالی این پروژه را تأمین کند ولی از آن روز تا به حال هیچکس جوابی به ما نداده است.

تولید این پروژه به تنهایی و فقط با حمایت سازمان سینمایی امکان‌پذیر نیست. ما می‌گوییم سازمان سینمایی، انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس و حوزه هنری، هر سه با سهم یک سوم برای ساخت این پروژه وارد شوند. این نگاه عادلانه‌ای است که به صورت جدی از سوی ما پیشنهاد شد.

البته بنیاد فارابی، انجمن سینمای دفاع مقدس و حوزه هنری با مشکلات جدی مالی مواجه هستند و ما از مشکلات آنها باخبریم. الان هم این قصه برای خیلی وقت پیش است و به دلیل اینکه فارابی برای تولید پروژه‌های متعددی متعهد شده است فکر نمی‌کنم فعلاً بتوانیم از این پروژه حمایت‌های لازم را انجام دهیم.

به این ترتیب، فکر می‌کنید ورود سازمان سینمایی به پروژه «شهید همت» منتفی است؟

ایوبی: ما باید باهم این تصمیم را بگیریم و این کار را انجام دهیم. گویا این امکان برای بخش‌هایی دیگر وجود ندارد. این پروژه نمی‌تواند به این صورت جلو رود که یک سومش تأمین شود تا پروژه شروع شود و بعد از آن معلوم نشود که در آینده چه خواهد شد. این جوری وارد پروژه‌ها شدن در توان سازمان سینمایی نیست.

الان چی؟ اگر بخش‌های دیگر برای حمایت از این فیلم وارد شوند شما بر همان تعهد یک سوم حمایت خود خواهید بود؟

ایوبی: بله ما از این پروژه حمایت می‌کنیم.

کن لوچ: رویدادهای فرهنگی صهیونیست‌ها را بایکوت کنید

«کن لوچ»، کارگردان پرکار سینمای انگلستان در جشنواره فیلم ملبورن، کشور امریکا را قلدر و زورگو نامید و از کشورهای جهان خواست رویدادهای فرهنگی تحت حمایت اسرائیل را بایکوت کنند.

«کن لوچ»، فیلمساز بریتانیایی و منتقد همیشگی سیاست‌های جنایتکارانه رژیم صهیونیستی و ایالات متحده امریکا، در مراسم تقدیر از دو کارگردان فلسطینی در جشنواره فیلم ملبورن، ضمن انتقاد دوباره از سیاست‌های خارجی امریکا و همچنین حمایت دولت این کشور از رژیم صهیونیستی، امریکا را قلدر و زورگو نامید. وی همچنین خواستار بایکوت تمامی رویدادهای فرهنگی تحت حمایت این رژیم جنایتکار شد. «لوچ» در ادامه درباره دو کارگردان فلسطینی تقدیر شده؛ «عبدالسلام شحاده» و «اشرف مشهراوی»، احتمالاً دو تن از بزرگترین فیلمسازان جهان امروز محسوب می‌شوند چون آنها در غزه فیلم می‌سازند. این دو داستان‌هایی را روایت می‌کنند که ما نیاز داریم درباره آنها بدانیم. این کارگردان انگلیسی خطاب به این دو فیلمساز فلسطینی گفت: شما رنج و درد مردم غزه را به گونه‌ای حس می‌کنید که هیچ کس دیگری نمی‌تواند، این دو نه تنها بازماندگان آن مردم رنج کشیده‌اند که فیلم‌های فوق‌العاده‌ای نیز در این‌باره می‌سازند. وی متذکر شد: از آنچه در غزه روی می‌دهد احساسی عظیم از ناامیدی و عصبانیت انسان را دربر می‌گیرد، کشور من در شرم فرورفته آنچنانکه ایالات متحده امریکا در قلدری و زورگویی خود فرورفته است. او در ادامه خطاب به حضار گفت: ولی با همه اینها ما ناتوان نیستیم. ما می‌توانیم دست به دست هم دهیم و وارد عمل شویم. باید تمامی رویدادهای فرهنگی تحت حمایت اسرائیل از موسیقی، فیلم، آکادمیک را بایکوت کنیم. اسرائیل باید به یک کشور منفور تبدیل شود. لوچ افزود: هیچ تیم فوتبال اسرائیل نباید در مسابقات اروپایی شرکت داده شود. در مراسم تقدیر از دو کارگردان فلسطینی، مشهراوی، یکی از کارگردانان گفت: من این قلب طلایی (جایزه جشنواره ملبورن) را به مردم غزه تقدیم می‌کنم چون می‌دانم که این قلب مردمی است که همان چیزی را تجربه کرده‌اند که ما هم‌اکنون در حال تجربه آن هستیم. من صدای کودکانی هستم که به قتل رسیده‌اند.

سینما روایت «رو به قبله» می‌شود

فیلم‌های داستانی «رو به قبله» و «ضربدر، مربع، دایره» در سیزدهمین جلسه سینما روایت اکران و نقد خواهند شد.

به گزارش روابط عمومی سینما روایت، فیلم داستانی «رو به قبله»، به کارگردانی امیرمهدی پوروزیری و تهیه‌کنندگی محمدرضا شفاه، داستان مرد یک خانواده مذهبی است که تاکنون در برابر خرید ماهواره مقاومت کرده ولی حالا به داشتن آن راضی شده و این موضوع ماجراهای طنزآمیزی را رقم می‌زند. «ضربدر، مربع دایره»، نیز به نویسندگی سیدمحمدرضا خردمندان و کارگردانی مرجان اسماعیلی درباره مضرات استفاده از ماهواره است. بنابراین گزارش، پس از اکران این دو فیلم که از آثار برتر جشنواره عمار به شمار می‌آیند، جلسه نقد و بررسی با حضور دست‌اندرکاران این دو فیلم داستانی برگزار خواهد شد. سیزدهمین جلسه سینما روایت روز یک‌شنبه دوم شهریورماه، رأس ساعت ۱۷ در مجتمع فرهنگی اسوه واقع در خیابان انقلاب اسلامی نبش بهار جنوبی برگزار خواهد شد.

سامی یوسف: مشکلاتم در کشورهای اسلامی بیشتر است

نمی‌خواهم ستاره راک یا پاپ باشم

معصومه طاهری

سامی یوسف از خانواده‌ای ایرانی آذری‌الاصل است که به‌همراه خانواده‌اش به انگلیس رفت و آنجا نوجوانی و جوانی‌اش را سپری کرد و ساکن لندن شد. سامی که از همان ابتدا به موسیقی علاقه داشت در ۱۸ سالگی به مدرسه موسیقی لندن رفت و با تحصیلات آکادمیک موسیقی آشنا شد. دو آلبوم سامی یوسف که روانه بازار کرده به نام‌های «معلم» و «امت من» هستند و اولین کنسرت موسیقی‌اش را در مصر برپا کرد که بعد از استقبال وسیع از آن برنامه به کشورهای زیادی از جمله آلمان، ترکیه، هند و... برای اجرای برنامه دعوت شده است. این گزارش گفت‌وگومحور چندی پیش توسط یکی از روزنامه‌نگاران بین‌المللی و شناخته شده آفریقای جنوبی به نام کمال‌الدین انجام شده است.

جایی برای تکان خوردن نبود، یوسف تنها لبخند می‌زد و مردم در پاسخ، با فریاد اسم او را صدا می‌زدند تا ترانه‌های خود را بخواند و او دو آلبوم خود یعنی «معلم» و «امت من» را اجرا کرد. آن موقع سال ۲۰۰۸ بود که به کیپ تاون در آفریقای جنوبی رفته بود. این اولین باری بود که سامی یوسف به آفریقای جنوبی سفر کرده بود و در سه شهر بزرگ کیپ‌تاون، دوربان و ژوهانسبورگ اجرا داشت. کنسرت‌های او در آفریقای جنوبی باشکوه و کاملاً منحصر به فرد بود. اجراهایش با نظم و ترتیب و با تمرکز فوق‌العاده‌ای صورت گرفت. او در کنار ترانه‌سرایی به زبان‌های انگلیسی، عربی، ترکی، فارسی، اردو، آذری و مالایی، به نواختن بسیاری از سازهای کلاسیک و محلی هم تسلط کامل دارد. برای همین باید به صراحت سامی یوسف را خواننده جهان اسلام دانست. علاقه وافر سامی یوسف برای اجرا به زبان‌های مختلف، در کنار سادگی رفتارش سبب می‌شود که سبک او خاص و اجراهایش تجربه‌ای ماندگار داشته باشند. دعوت یوسف به وسیله گروهی دولتی انجام شده بود که امکان حضور برای عموم نبود و تنها چندهزار نفر در کنسرتش شرکت داشتند. سامی یوسف ستاره مسلمانی است که سال ۲۰۱۲ نامزد دریافت جایزه شده بود.

یوسف درباره سفرش به آفریقای جنوبی به ما می‌گوید: برای اولین بار بود که به آفریقای جنوبی می‌رفتم. از روی ایمیل‌هایی که برایم آمده بود متوجه شدم کارم با موفقیت همراه بوده است. موقع اجراهایم مردم احساس خوبی داشتند برای همین تصور می‌کنم کار موفقیت‌آمیز بوده است به‌خصوص زمانی که بچه‌ها همراه با آهنگ‌های من، می‌خواندند و زمزمه می‌کردند.

اگرچه آلبوم‌های او مخصوصاً درباره مسائل و مربوط به جامعه جهانی مسلمانان است، با این وجود استعداد یوسف محدود نشده و فراتر از آن عمل کرده است و موسیقی او درحد تعادل به پاپ نزدیک است. به‌همین خاطر یوسف از سوی برخی رسانه‌های بزرگ به‌عنوان «بزرگترین ستاره راک اسلام» معرفی شده، این عنوان تیتری است که خیلی‌ها آن را دوست دارند.

سامی یوسف دراین‌باره می‌گوید: من برای مردم می‌خوانم و درحال حاضر فصل جدیدی در حرفه موسیقی من آغاز شده است. قصد ندارم فقط برای گروه خاصی موسیقی داشته باشم و کار کنم از طرفی هم نمی‌خواهم تنها برای برنامه‌های مذهبی بخوانم. صادقانه بگویم موسیقی من برای همه دنیا است؛ بنابراین امیدوارم با تنوع بیشتر در مناطق مختلف دنیا بروم و بخوانم.

یوسف در ادامه می‌گوید: من نمی‌خواهم یک ستاره راک یا پاپ باشم. من فقط می‌خواهم بهترین کار را در حرفه خودم انجام بدهم که الحمدلله این خودش یک موفقیت تجاری است. پاسخش ساده بود بدون این که تکبر داشته باشد، تلاش می‌کرد توضیح بدهد تا متوجه شویم برای او نظر اغلب هوادارانش اهمیت دارد.

> **من نمی‌خواهم یک ستاره راک یا پاپ باشم. من فقط می‌خواهم بهترین کار را در حرفه خودم انجام بدهم که الحمدلله این خودش یک موفقیت تجاری است. پاسخش ساده بود بدون این که تکبر داشته باشد، تلاش می‌کرد توضیح بدهد تا متوجه شویم برای او نظر اغلب هوادارانش اهمیت دارد**

یوسف می‌گوید: این واقعیت ندارد که من تنها خواننده جهان اسلام هستم. برای نمونه یوسف اسلام را می‌توان نام برد که کارش موسیقی است. خیلی‌ها با من تماس می‌گیرند و تصور می‌کنند که این شیوه خواندن من مانند ستاره‌های راک است. اما درحقیقت باید گفت کنسرت‌های یوسف به‌خوبی جاافتاده است. در کنسرت‌های او ضربه پا و سر و رقص‌های تند وجود ندارد. کنسرت‌های او مثل پیک‌نیک برای خانواده‌هاست که حضور آخر هفته در آن برایشان لذتبخش است. یوسف با چندین ابزار موسیقی کار می‌کند برای همین برخی از مسلمانان در کنسرت‌های او شرکت نمی‌کنند و معتقدند نواختن سازهای زهی و بادی در اسلام حرام است.

او با ستایش خدا کارهایش را شروع می‌کند به‌صورتی که برای مخاطبان جدیدش در کشورهای مختلف مقبول است. با ریتم موسیقی مدرن کار می‌کند. هشت قطعه دارد. دو خواننده در ارکستر یوسف را پشتیبانی می‌کنند، درمقابل هم جمعیت زیادی که شاد هستند. یوسف می‌گوید: من مردم را دوست دارم و موسیقی من از مردم الهام می‌گیرد و به مباحث بیشتر از موسیقی نمی‌پردازم.

او در ادامه توضیح می‌دهد: واکنش جهانی به موسیقی مثبت بوده و مردم خیلی با من مهربان بوده‌اند. مشکلاتی که من در کشورهای مسلمانان با آن مواجهم بیشتر از کشورهای دیگر بوده است. اما در کل تمام کشورهایی که رفته‌ام من را قبول کرده‌اند. یکی از بهترین تجربه‌های من در کشور هلند بود که آنجا، چهره‌ها و ملیت‌های مختلفی را دیدم.

این جالب است که او به هلند اشاره می‌کند، زیرا این کشور موضع شدیدی ضد اسلام و مسلمانان دارد حتی علیه گروه‌های اقلیت و خارجی برخورد می‌شود. یوسف در سال ۲۰۰۹ اعلام کرده بود که قصد دارد در آلبوم جدیدش مردم را متحد کند و با کمک موسیقی به این خشونت‌های تند علیه اسلام را پاسخ بدهد. او می‌گوید: جامعه اسلامی مانند هرجامعه دیگر با چالش‌های زیادی از درون مواجه است. ما در جهانی پر از خشونت زندگی می‌کنیم. اما امروز دنیای اسلام در حال رشد است و ما به دنبال گفت‌وگو و تعامل هستیم.

یوسف توضیح می‌دهد: نیروهای مخالف ما نیاز به شکستن شدن دارند و من به این خوشبینم. فکر می‌کنم اکثریت قریب به اتفاق مردم در این دنیا خوبند اما افرادی هستند که از مشکلات ایجاد شده به نفع خود سود می‌برند. یوسف اشاره می‌کند به فاز بعدی کار خود، که از طریق موسیقی به این چالش‌ها می‌پردازد و می‌گوید: در حال حاضر این بخش از کار من هدیه‌ای برای مردم است که فصل جدیدی در حرفه موسیقی من شروع شده است. من قصد ندارم فقط برای یک گروه خاص موسیقی داشته باشم یا تنها برنامه‌های مذهبی اجرا کنم. صادقانه بگویم موسیقی من برای همه است. پس امیدوارم در کارهایم تنوع بیشتری برای مردم مختلف داشته باشم.

یوسف در ادامه می‌گوید: من در موسیقی خیلی متنوع هستم و از افرادی که به دنبال موسیقی هستند نباید انتظار دیگری هم داشت. آلبوم «امت من» با همه ارتباط برقرار می‌کند و برای همه است و صادقانه بگویم فروش خیلی زیادی همین آلبوم داشت.

صحبت‌های یوسف نظر هنری او را درباره مسائل اسلام انعکاس می‌دهد. او خواننده‌ای است که تا به امروز در تمام پروژه‌های خود، ارتباط بشردوستانه را به ارمغان می‌آورد. به منطقه دارفور در سودان سفر کرد و برای کمک‌های مردمی و کسب آگاهی درباره جنگ پول جمع‌آوری نمود، او همچنین یک ملودی جدید در دارفور نوشت، که در آفریقای جنوبی اجرا کرد. یوسف همچنین در طول سفر خود به آفریقای جنوبی از مدارس تیزهوشان دیدن کرد.

یوسف می‌گوید: من سعی می‌کنم روی دو یا سه پروژه در سال تمرکز داشته باشم. هر سال یکی از کارهایم را به منظور کمک به مؤسسات خیریه انتخاب می‌کنم تا منافع آن برای خدمت و کمک‌رسانی به آنها باشد که باید گفت این هم جنبه دیگری از سامی یوسف است.

نگاهی به رویکرد نادرست ترجمه کتاب‌های علوم انسانی

تربیت فرزند بر اساس روش‌های توصیه شده در لندن!

مهدی آذرپندار

بحث ترجمه، یکی از موضوعات داغ در میان علاقه‌مندان به کتاب و مطالعه است؛ چراکه این مسئله (فارغ از ارزیابی مثبت یا منفی درباره آن) توانسته بخش اعظم بازار کتاب ایران را به خود اختصاص دهد و در این زمینه، گوی سبقت را از کتاب‌های دارای مؤلف ایرانی برباید.

هر چند نفس امر ترجمه نه تنها دارای نکته منفی نیست و حتی به دلیل ایجاد تعامل و نوعی افزایش راه‌های ارتباطی میان خواننده ایرانی و دنیای خارج از کشور که زمینه‌ساز دریافت اطلاعات جدید و به‌روز در میان مخاطبین ایرانی می‌شود، بار مثبت دارد و توصیه نیز می‌شود اما مسئله نگران کننده در این زمینه، افزایش و گسترش دامنه کتاب‌های ترجمه به حوزه علوم انسانی و تربیتی است. آداب، رسوم و سنت‌های هر منطقه از جهان دارای منطق خاص خود است که نوع ویژه‌ای از برخوردهای انسانی و شیوه‌های تربیتی را می‌طلبد.

این مسئله وقتی حادتر می‌شود که ببینیم حتی در میان دو شهر کوچک در یک کشور هم تضادهای فرهنگی بسیار فراوانی وجود دارد که نه تنها قابل نفی نیستند بلکه هر کدام دارای منطق و اصول اساسی خود است که آن را قابل احترام می‌کند. این موضوع تنها منحصر به ایران نیست؛ هر چند به دلیل پراکندگی قومیتی بالای کشورمان، این مسئله برای ایرانیان قابل لمس‌تر است. به عنوان مثال، جامعه اروپایی نسبت به جامعه امریکایی دارای یک روح سکولارتر و غیراخلاقی‌تر است؛ در صورتی که خانواده‌های امریکایی در میان مردم اروپا به عنوان افرادی مذهبی و سختگیر در زمینه امور تربیتی شناخته می‌شوند.

با این تفاسیر، آیا می‌توان برای هر دو جامعه یک نسخه شفابخش پیچید؟ آیا تجربیات و راهنمایی‌های یک نویسنده فرانسوی می‌تواند دستمایه تربیت کودکان در یک خانواده امریکایی قرار بگیرد؟ بدیهی است که پاسخ به این سؤالات قطعاً منفی است. این مسئله درباره ایران و مردم کشورمان که دارای باورهای مذهبی اسلامی دقیق و دستورالعمل‌های مشخص در فقه تشیع هستند، به مراتب حساس‌تر و نگران کننده‌تر از دو کشور غربی است. چگونه می‌توان عنان تربیت کودکان یا مدیریت زندگی در یک خانواده ایرانی را به دست کتاب‌های ترجمه‌ای داد که نویسندگان انگلیسی، فرانسوی، امریکایی و... آن اساساً آشنایی حداقلی هم با مفاهیم دینی و اسلامی و مفهوم خانواده در اسلام ندارند؟ آیا نسخه تجویز شده توسط یک روانشناس یا جامعه‌شناس انگلیسی در زمینه تربیت جنسی فرزندان در محیط خانواده، محلی از اعراب در یک خانواده ایرانی دارد و می‌تواند به عنوان یک دستورالعمل مورد استفاده قرار بگیرد؟

عدم وجود تناسب میان بافت فرهنگی جوامع گوناگون با یکدیگر و تفاوت‌های عمیق در میان باورهای رایج در هر جامعه، سبب می‌شود تا هر کدام از این جوامع متد تربیتی خاص خود را در زمینه‌های مختلف ارائه کنند که هر کدام در جایگاه خود نیز ارزشمند هستند اما جابه‌جایی میان این الگوها و استفاده بدون ارزشیابی آنان به جای دیگری، قطعاً اثرات تخریبی بالایی خواهد داشت؛ موضوعی که کتاب‌های تربیتی و روانشناسی در حوزه خانواده که ترجمه متون غربی (و یا حتی شرقی به معنای جغرافیایی) هستند، به طور شدیدی به آن دامن می‌زنند.

شاید بد نباشد برای تفهیم بهتر عدم درک شرایط و مناسبات فرهنگی – اجتماعی یک کشور دیگر توسط نویسنده یک کتاب ترجمه شده، مثالی از آموزش و پرورش کشورمان زده شود.

چندی پیش همایشی برای ارتقای معلمان و آموزگاران پایه ابتدایی مدارس شهر تهران برگزار شد که قصد داشت تا جدیدترین متدهای آموزشی رایج در جهان را به صورت خلاصه و مفید در اختیار معلمان پایتخت قرار دهد. در بخشی از بسته ارائه شده به معلمان در این همایش، کتابی تحت عنوان «۵۰۰ نکته برای مدیریت بهتر کلاس» وجود داشت که ترجمه یک اثر ژاپنی بود. مطالعه و تورق بخش‌های مختلف این کتاب مشخص می‌کرد که وجود تجهیزات پیشرفته کمک آموزشی (مانند رایانه‌های همراه، سیستم صوتی و تصویری باکیفیت، تهویه هوای مطبوع و...) و همچنین ایجاد یک فضای بسیار آرام در کلاس توسط معماری و رنگ‌آمیزی، جزو بدیهیات فرض شده توسط نویسنده است که البته با توجه به وجود چنین امکاناتی در کشور ژاپن، منطقی به نظر می‌رسید اما در این میان، چهره معلمان دیدنی بود که نمی‌دانستند درباره کلاس‌های رنگ و رورفته ۴۰ دانش‌آموزی صحبت کنند یا تخته سیاه‌هایی که هنوز با گچ روی آنها مطلب نوشته می‌شود یا روزنامه‌های باطله‌ای که برای ایجاد حداقل‌های نور یک فضای آموزشی به پنجره‌های کلاس چسبانده می‌شوند!

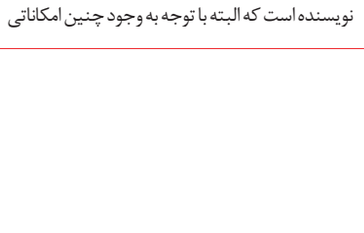

بدیهی است که نه نویسنده این کتاب مجرم است و نه مترجم؛ بلکه این انتخاب رویکرد غلط از سوی مدیران آموزش و پرورش است که باعث شده تا این کتاب که در حوزه علوم انسانی و روش‌های تربیتی تهیه شده، بدون توجه به زیرساخت‌های لازم برای اجرای محتویات آن، به عنوان سرلوحه کار در ایران قرار گرفته است. همین موضوع در زمینه کتاب‌های تربیت فرزندان و مدیریت خانواده نیز به شکل حادتری جریان دارد. داغ شدن بازار کتاب‌های روانشناسی عامه‌پسند که راهکارهای داشتن یک زندگی آرام و بانشاط در کنار همسر و فرزندان را به شما نشان می‌دهد، حکم یک اعلام خطر بسیار بزرگ برای جامعه مذهبی و دینی ایران است؛ چراکه قطعاً نویسنده امریکایی توجهی به رویکرد تربیتی در اسلام ندارد و به عنوان مثال، برای بالا بردن اعتماد به نفس کودکان، ارتباط با جنس مخالف از همان سال‌های اولیه کودکی را به عنوان نسخه شفابخش توصیه می‌کند.

لزوم توجه و نظارت جدی بر بازار ترجمه کتاب‌های خانوادگی مسئله‌ای است که بارها و بارها توسط کارشناسان و صاحب‌نظران در این حوزه بیان شده و به مسئولان هشدار داده شده که ادامه این روند منجر به وقوع یک جریان بیمار تحت عنوان تربیت علمی در خانواده خواهد شد که اگر هر چه زودتر جلوی آن گرفته نشود و فکری به حال آن نشود، زمینه را برای ایجاد بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی فراهم خواهد کرد.